

تحلیل نقش ساختار اجتماعی^۱ سوریه و خاورمیانه در شکل‌گیری و گسترش جریان سلفی‌گری در سوریه با کاربست نظریه سازه‌انگاری

محسن نصر اصفهانی*

حسین مسعودنیا**

عباس حاتمی***

چکیده

در این مقاله براساس ساختار اجتماعی که ونت^۲ در رویکرد سازه‌انگاری ارائه داده است، به تحلیل چگونگی شکل‌گیری و گسترش سلفی‌گری در کشور سوریه پرداخته شده است. براین اساس زیرساختارهای سه‌گانه معنایی، مادی و منافع در رابطه با کشور سوریه مورد تحلیل قرار گرفته‌اند تا بتوان نقش عوامل معنایی و هویتی، محیط مادی و نوع تفسیر بازیگران از آن و منافع چهارگانه شامل امنیت هستی‌شناسی، امنیت مادی، توسعه و شناسایی را در ظهور و گسترش بحران سوریه با تأکید بر جریانات سلفی مورد ارزیابی قرار داد. نگارنده با این پیش‌فرض شروع به تدوین این پژوهش می‌کند که یک یا چند عامل صرفاً مادی یا معنایی نمی‌توانند زمینه‌ساز بحران در سوریه و رشد جریانات سلفی افراطی باشند. سؤال اساسی این پژوهش عبارت است از: از منظر سازه‌انگاری، ساختار اجتماعی سوریه و منطقه خاورمیانه چگونه سبب شکل‌گیری و گسترش جریانات سلفی در این کشور شده است؟ این مقاله به شیوه تحلیلی - توصیفی نگاشته شده است.

واژگان کلیدی

سازه‌انگاری، جریان ونتی، ساختار اجتماعی، بحران سوریه، سلفی‌گری.

1. Social Structure.

nasresfahani@pnu.ac.ir

h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

a.hatami@ase.ui.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۲۴

2. Alexander Wendt.

*. مربی گروه معارف دانشگاه پیام نور و دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

** . دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

***. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲۸

طرح مسئله

بحران سوریه و شاید مهم‌تر از آن ظهور سریع گروه‌های افراطی و سلفی در صحنه بحران این کشور، در ابتدای امر بسیاری از تحلیل‌ها را شتاب‌زده کرد و نظرات و پژوهش‌های چند ماه اول در زمان بحران گویای آن است. بحران سوریه که از درعا در جنوب این کشور در سال ۲۰۱۱ شروع شد (العالم، ۱۳۹۵/۱۰/۰۶)، ابتدا جدی به نظر نمی‌رسید، اما با ورود جریانات سلفی به این بحران و بهره‌گیری از این اعتراضات بسیاری بر این عقیده بودند که دولت بشار تا یک سال دوام نخواهد آورد و سرنوشتی مانند لیبی خواهد داشت. اما واقعیت این است که بحران سوریه و حضور جریانات سلفی مسئله‌ای پیچیده و ریشه‌دار است و از این‌رو نمی‌توان ظهور و حضور گسترده جریانات سلفی در بحران سوریه را تنها به مسئله تقابل کشورها، مسائل انرژی، منافع بازیگران منطقه‌ای و یا فرامنطقه‌ای مرتبط دانست. بلکه تمامی این عوامل نقش داشته و از وزن و جایگاه خاصی در گسترش این جریانات برخوردارند. اما پرداختن به تمامی این عوامل و ارتباط برقرار کردن بین آنها با بحران سوریه و ظهور و بروز گروه‌های سلفی بدون داشتن چهارچوبی مشخص که توانایی تحلیل جزءبه‌جزء و نتیجه‌گیری منسجم را داشته باشد، امکان‌پذیر نیست. بنابراین ما باید یک ساختار قوی را جهت بررسی این موضوع انتخاب کرده و تمامی عوامل دخیل را در داخل این ساختار در ارتباط با یکدیگر تحلیل نماییم و یک رابطه منطقی بین این عوامل و ظهور گسترده گروه‌های سلفی افراطی پیدا نماییم. لذا در این مقاله با توجه به وجه عینی - ذهنی رویکرد سازه‌نگاری و نیز لزوم پرداختن به واقعیت‌های سرزمینی و منطقه‌ای و نیز ایدئولوژی‌ها، هویت‌ها و منافع، از این رویکرد بهره برده شده است. نگارندگان، نظریه سازه‌نگاری به‌ویژه مفهوم ساختار اجتماعی را نسبت به سایر نظریات، حائز توانایی بیشتری جهت ارائه یک درک جامع مبتنی بر عوامل سه‌گانه معنایی، مادی و منافع می‌دانند. سؤال اساسی این پژوهش عبارت است از: از منظر سازه‌نگاری ساختار اجتماعی سوریه و منطقه خاورمیانه چگونه سبب شکل‌گیری و گسترش جریانات سلفی در این کشور شده است؟

ساختار معنایی و بحران در سوریه

ساختار یا سازه معنایی به‌عنوان بخشی از ساختار اجتماعی در رفتارها و رخدادهای سیاسی و اجتماعی کنش‌گران نقش‌آفرینی می‌کند. سازه معنایی دارای اهمیت ویژه‌ای در رویکرد سازه‌نگاری است و نقش مهمی در تفسیر بازیگران از محیط و سازه مادی و سازه منافع خود و دیگران دارد. از این‌رو در این بخش سازه معنایی را به‌عنوان یک بخش مهم از سازه اجتماعی در ظهور و گسترش جریان‌های سلفی در کشور سوریه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

حاکمیت اقلیت شیعی و تقابل هویت مذهبی

اکثریت ۷۴ درصدی جمعیت کشور سوریه سنی هستند که در این بین سهم حنفی‌ها حداکثری بوده و

شافعی‌ها به همان میزان جمعیت کردها بر می‌گردد. جمعیت مسلمانان غیر سنی یا به عبارتی شیعیان (جعفری، علوی، اسماعیلی و دروزی) حدود ۱۶ درصد است. از این بین سهم دروزی‌ها از کل جمعیت کشور تنها ۳ درصد است. مسیحیان سوریه نیز ۱۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. علوی‌ها که نسبت به مجموع مسلمانان در اقلیت قرار دارند به قدرت زیادی رسیده‌اند و از شخص رئیس‌جمهور تا مقامات پایین‌تر به‌ویژه در ساختار امنیتی و نظامی سوریه و همچنین حزب بعث علوی هستند (اخوان کاظمی و ویسی، ۱۳۹۱؛ دبیری، ۱۳۹۱/۰۳/۲۷) پس از علوی‌ها نوبت به سایر شیعیان مانند جعفری، دروزی و اسماعیلی و نیز مسیحیان می‌رسد. اکثریت ۷۴ درصدی اهل تسنن به نسبت جمعیت سهم حداکثری را در قدرت و حاکمیت سوریه ندارند. البته اهل تسنن در وزارتخانه‌های مختلف و در پست نخست‌وزیری حضور دارند. اما اهل تسنن شافعی که کُرد زبان هستند نیز علاوه بر عدم برخورداری از قدرت، مورد غضب حاکمیت بوده‌اند. به نحوی که جمعیت قابل توجهی از آنها از شناسنامه سوری نیز محروم بوده‌اند (Human Rights Watch, 1996 و خبرگزاری تقریب، ۱۳۹۰/۰۱/۱۸)، و تا سال ۲۰۱۱ نیز این وضعیت ادامه داشت.

قدرت حداکثری علوی‌ها در سوریه در کنار بحران‌هایی که در دهه‌های اخیر در جهان اسلام رخ داده است منجر به یک تقابل هویتی؛ از نوع مذهبی در سوریه شده است. رشد اسلام شیعی و هویت‌یابی آنها از یک طرف در زیر چتر انقلاب اسلامی و گروه‌هایی مانند حزب‌الله در لبنان و از سوی دیگر ظهور افراطی‌گرایی اسلامی در جهان تسنن به رهبری عربستان سعودی و سر برآوردن سلفی‌های نوین با عناوین القاعده و طالبان و غیره، به این تقابل‌ها و تضادهای هویتی دامن زده است. در جریان بهار عربی که یک انقلاب مدرن و با نوعی اسلام‌گرایی اعتدالی در کشورهای عربی شمال آفریقا و برخی کشورهای عربی جنوب غرب آسیا رخ داد، کشور سوریه شاهد یک نوع افراطی‌گرایی سلفی بود که ریشه در همان تقابل‌های هویتی مذهبی دو دهه اخیر و دخالت، نفوذ و تقویت این تقابل هویت مذهبی توسط کشورهای عربی، رژیم صهیونیستی و غرب، داشت. ظهور جبهه النصره (با نام جدید جبهه فتح الشام) و داعش (حکومت اسلامی عراق و شام) پیامی معنایی و هویتی برای نشان دادن تقابل هویت مذهبی بود که زاینده رخدادهای هویت شیعه و سنی در چند دهه اخیر بود. در کل بخشی از محدوده جغرافیایی سنی‌نشین سوریه به‌ویژه در نیمه شرقی (مانند رقه و دیرالزور) به دلیل توسعه نیافتگی در بخش روستایی و عشایری و فقر فرهنگی و فاکتورهایی مانند سطح پایین سواد، سبب جذب بیشتر توسط این گروه‌های سلفی افراطی شده است. این امر سبب رشد آسان‌تر آموزه‌های سلفی که به لحاظ فقهی و کلامی با آموزه‌های اهل تسنن به‌ویژه حنفی‌ها و شافعی‌ها مغایرت و تضاد دارد، شد و بر بستر عدم آگاهی مردم به دلیل فقر فرهنگی ظهور یافت و در جمع با فقر اقتصادی و توسعه نیافتگی سبب گسترش و انتشار آن در سراسر این جغرافیای سنی‌نشین گردید.

این امر سبب یک نوع غیریت‌سازی بین شیعه و سنی و انگاره سلطه‌گری شیعیان براساس تفسیر سلفی‌ها

از تفاوت‌ها و اختلافات مذهبی شیعه و سنی شده است که مبنای آن از تفکرات شیعه‌ستیز و تکفیری سلفی و وهابی اخذ شده است و نتیجه آن ظهور گروه‌های تروریستی داعش و جبهه النصره (فتح الشام) است که امروز این کشور را به کانون افراط‌گرایی سلفی‌گری مبدل نموده است.

البته باید خاطر نشان ساخت اهل سنت در مناطق غربی سوریه به همراه شیعیان علوی، جعفری، دروزی و اسماعیلی و نیز مسیحیان در وضعیت بهتری نسبت به مناطق شرقی سوریه به سر می‌برند. اما همین توسعه نیافتگی در شرق سوریه که تماماً سنی نشین است، باعث شکل‌گیری انگاره تبعیض مذهبی شده است که نباید نقش تبلیغاتی قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان و ترکیه را در آن نادیده گرفت. مناطق شرقی به‌رغم جمعیت کم، وسعت زیادی از سوریه را شامل می‌شود که به دلیل عدم دسترسی آسان دولت مرکزی به مقر اصلی گروه‌های سلفی به‌ویژه داعش تبدیل شده است، به نحوی که این منطقه عنوان پایتخت داعش را به خود گرفته است.

افتراق‌های اجتماعی و فرهنگی در داخل کشور سوریه و عراق

در جوامعی که تنوع هویتی بیشتری وجود داشته باشد و بر آن جامعه مؤلفه‌های قومی، مذهبی، زبانی و نژادی حاکم باشند، منازعه‌های هویتی زمینه ظهور بیشتری می‌یابد. مهم‌ترین عناصر خشونت‌های هویتی، کشمکش‌های داخلی قومی - اقلیتی، ادعاهای مذهبی، هراس‌افکنی فرقه‌ای و برتری‌جویی ایدئولوژیک است. منازعه‌های فرقه‌ای = مذهبی فراگیرترین و خشن‌ترین نوع تقابل هویتی است (یزدانی و نژادزندی، ۱۳۹۳: ۱۶۲) باورهای مذهبی جنبه اعتقادی - فکری هویت را می‌سازد که نمودی پایا از شخصیت معتقد و متعصب محسوب می‌شود. نظام باورهای دینی به صورت هسته معنایی فرد دیندار عمل می‌کند و زندگی را برای وی قابل پیش‌بینی می‌سازد و اعتماد و اتکای مضاعفی را به وی می‌بخشد. فرد به پشتوانه این شرایط احساس آرامش و امنیت می‌کند. در این شرایط خشونت زمانی رخ می‌دهد که روند وقایع حاکی از به خطر افتادن هسته معنایی فرد باشد یا دست کم آن فرد این‌گونه احساس کند (افتخاری، ۱۳۷۸: ۱۲۴ - ۱۲۳) در این حالت واکنش‌های تهاجمی یا تدافعی معطوف به احتراز از نابودی شکل می‌گیرد. براین مبنای جریان‌های افراطی در مناطق مختلف، رشد هویت‌های غیر خودی را خطری برای هسته معنایی هویت خود می‌دانند و این موضوع آنان را وادار می‌کند که دست به اعمال افراط‌گرایانه و تروریستی بزنند (یزدانی و نژادزندی، ۱۳۹۳: ۱۶۳) در این رابطه همان‌طور که گفته شد کشور سوریه دارای تفاوت‌های شدید مذهبی، فرقه‌ای و قومی است.

کشور سوریه از اقوام و مذاهب مختلف با افتراق‌های زیاد تشکیل شده است. افتراق بین اسلام و مسیحیت، افتراق بین شیعه و سنی، افتراق بین دروزی و علوی، جعفری و اسماعیلی، افتراق بین حنفی و شافعی و غیره. این افتراق بین مذاهب و حمایت دولت از برخی از این گروه‌های دینی و مذهبی سبب تشدید

این شکاف و تبدیل آن به گسست‌های فرهنگی و اجتماعی شده است که نهایتاً خود را در شهر درعا به صورت یک اعتراض به تبعیض دینی و مذهبی دولت سوریه؛ و البته با تحریک و دخالت بازیگران و قدرت‌های خارجی و با ظاهر یک اعتراض صنفی و اقتصادی، نشان داد. بی‌توجهی دولت سوریه به مناطق دور از پایتخت و وضعیت نامناسب اقتصادی کشور که از مرکز سیاسی به حاشیه بدتر می‌شد، زمینه را برای این نارضایتی حداکثری و بحران فراهم ساخت. چراکه مناطق دور از پایتخت اکثراً سنی مذهب هستند. مناطق غربی سوریه که دارای شهرهای بزرگ، مناطق مستعد کشاورزی و تجارت و بازرگانی که در حاشیه دریای مدیترانه قرار دارند اکثراً دارای ترکیبی شیعی و مسیحی هستند (اخوان کاظمی و ویسی، ۱۳۹۱) مناطق مرکزی و شرقی که دارای اقلیم نامناسب و شرایط زیستی دشواری هستند دارای جمعیتی کاملاً سنی مذهب هستند. نبود شرایط اقلیمی و طبیعی برای کشاورزی و تجارت و غیره و عدم رسیدگی دولت به این مناطق، فرضیه تبعیض مذهبی را تقویت نمود و با دخالت و تبلیغات بازیگران غربی - عربی - صهیونیستی تمامی این عدم توسعه‌یافتگی به عامل هویت مذهبی و تقابل هویت مذهبی بین دولت سوریه با اهل تسنن ربط داده شد و عملکرد دولت نیز زمینه این انگاره منفی هویتی را فراهم نمود. در نتیجه افتراق‌های مذهبی و فرهنگی که منطبق بر افتراق‌های اقتصادی و سیاسی بود به‌عنوان عاملی مهم در ظهور و گسترش افراطی‌گری سلفی علیه دولت سوریه نقش‌آفرینی نمود.

قرار گرفتن در محور مقاومت و رویارویی با غرب و اسلام‌گرایان افراطی (سلفی)

سوریه در ابتدای روی کار آمدن حزب بعث به رهبری حافظ اسد، بیشتر به دلایل عربی و هویت عربی و نیز دفاع از ملت و خاک جهان عرب و نیز گروگان ماندن بخشی از خاک خود توسط رژیم صهیونیستی وارد تقابل با اسرائیل و در نتیجه دنیای غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا و بریتانیا شد. در ادامه و در اثر ظهور انقلاب اسلامی در ایران، چرخش نگاه ایران از هم‌پیمانی با آمریکا و اسرائیل به دشمنی با آنها برای سوریه خوشایند بود و سوریه را به‌صورت طبیعی در کنار ایران قرار داد. البته دلیل دیگر هم‌گرایی ایران و سوریه دشمن مشترک یعنی عراق بعثی بود که بیش از حد ایران و سوریه را به یکدیگر نزدیک ساخته بود (ایزدی و اکبری، ۱۳۸۹: ۳۶) دولت سوریه به رهبری حافظ اسد در زمینه حمایت سیاسی، کمک‌های نظامی و اطلاعاتی، آموزش نیروها و قطع لوله انرژی عراق به مدیترانه پشتیبانی همه‌جانبه خود از ایران در برابر عراق بعثی را نشان داد (Global Security, Iran-Iraq War (1980-1988): خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۴/۰۹/۲۲) در زمان روی کار آمدن بشار اسد در سال ۲۰۰۰، غرب امیدوار به اصلاحات مدنظر خود در کشور سوریه بود، اما این بار بشار اسد، در ساختار هویتی خود تغییراتی ایجاد کرد که از زمان انقلاب اسلامی در ایران در دوران پدرش شروع شده بود. در دوره بشار اسد، دولت سوریه با رشد گسترده هویت شیعی در جهان اسلام با عبور از

تفاوت‌های درون مذهبی شیعه به معتمد ژئوپلیتیکی ایران در ساحل مدیترانه تبدیل شد و جمهوری اسلامی ایران نیز در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی - امنیتی دولت سوریه را مورد حمایت قرار داد. با سقوط رژیم بعثی عراق و روی کار آمدن دولت شیعی در این کشور و نیز تقویت جایگاه حزب الله در لبنان و گرایش جنبش حماس فلسطین به ایران و شکاف بین جنبش حماس (طرفدار محور مقاومت) و جنبش فتح (طرفدار محور سازش عربی)، دولت سوریه تحت تأثیر این جریانات به عضوی مهم در محور مقاومت مبدل شد. محور مقاومت در برابر استعمار و استثمار استکبار جهانی و اشغالگری رژیم صهیونیستی و سازش کشورهای عربی منطقه شکل گرفت که بارزۀ اصلی این محور، مقاومت و ایستادگی در برابر استعمار، استکبار، اشغالگری و مداخله‌گری، سازش بود.

عضویت سوریه در محور مقاومت به معنای تقابل با محور غربی - صهیونیستی - عربی و در نتیجه تحریک اهل تسنن داخل سوریه توسط اعراب و متحدان غربی و صهیونیستی آنهاست. بخشی از علت بحران سوریه ناشی از خود دولت سوریه نیست، بلکه ناشی از هزینه‌ای است که دولت سوریه جهت عضویت در محور مقاومت متحمل شده است. از این رو عضویت سوریه در محور مقاومت زمینه‌ای را برای بهره‌گیری جبهه مقابل از تقابل مذهبی فراهم نموده که این امر از طریق گسترش افراطی‌گیری سنی با رهبری جریانات سلفی‌گری ممکن می‌شد. از این رو گروه‌هایی مانند جبهه النصره (فتح الشام) و داعش از حمایت جبهه غربی - صهیونیستی - عربی برخوردار شدند؛ چراکه این گروه‌ها براساس تقابل‌های مذهبی بیشترین پتانسل بسیج نیروهای مخالف برای ایجاد تنش در سوریه را دارا بودند. بنابراین پیوستن سوریه به جبهه مقاومت و قرار گرفتن در مسیر انگاره مقاومت اسلامی، در وجه سلبی خود تجمیع جریانات با رویکرد سلفی در کشور سوریه را موجب شد.

ساختار مادی

در رویکرد سازه‌انگاری و به‌ویژه در جریان ونتی، ساختار مادی دارای اهمیت ویژه‌ای است. این امر ریشه در دو وجهی بودن هستی‌شناسی در سازه‌انگاری و اعتقاد به عینی و ذهنی بودن پدیده‌هاست. اما با این تفاوت که در رویکرد سازه‌انگاری بر خلاف رویکردهای اثبات‌گرا، عینیت پدیده از آن حیث اهمیت دارد که براساس تجارب و انباشت‌های ذهنی انسان قابل تفسیر و شناخت است. از این رو در این بخش به توضیح ساختار یا سازه مادی کشور سوریه و تأثیر آن بر بحران این کشور و رشد جریانات سلفی می‌پردازیم.

موقعیت سرزمینی سوریه

سوریه یک بازیگر ژئوپلیتیک محور است که سه عامل؛ واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه، قرار گرفتن بر کناره شرقی دریای مهم مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل و همسایگی با فلسطین

اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق، به وضوح اهمیت نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان می‌سازد. به دلیل همین اهمیت و نقش استراتژیک، بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل «سوریه را بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان» می‌نامند (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷: ۲۹ - ۲۵) سوریه به واسطه موقعیت خود در موضوع مشترک چند منطقه قرار می‌گیرد. این وضعیت سرزمینی سوریه هم سبب اهمیت‌یابی و هم باعث آسیب‌پذیری این کشور شده است. مهم‌ترین جایگاه کشور سوریه در منطقه خاورمیانه و شریک شدن در اهمیت‌ها و حساسیت‌های سرزمینی این منطقه است. این جایگاه سوریه به دلیل استقرار این کشور در منطقه حاشیه و خروج و ورودی منطقه غرب خاورمیانه اهمیت مضاعفی یافته است. اهمیت سرزمینی و موقعیتی این کشور زمانی بیشتر مشخص می‌گردد که آن را در قبال ساختار هویتی و معنایی منطقه و جبهه‌بندی سیاسی منطقه‌ای و جهانی تحلیل نماییم. کشور سوریه در نقشه ژئوپلیتیکی محور مقاومت قرار دارد و حفاصل شرق و غرب این جبهه است. سوریه، لبنان و سرزمین‌های اشغالی را به عراق و ایران متصل می‌کند و نوعی سد نفوذ در برابر جبهه عربی - غربی و اخیراً ترکی به وجود آورده است. محور مقاومت، رژیم صهیونیستی را به عنوان پاشنه آشیل غرب محاصره نموده است و ارتباط ترکیه با کشورهای منطقه‌ای متحد با آمریکا را قطع نموده است. به منظور درک بهتر نقش سوریه در منطقه باید به اتحاد استراتژیک این کشور با ایران اشاره و توجهی خاص داشت؛ چراکه سوریه به عنوان ایجادکننده ارتباط با حزب الله و کانال اصلی برای تقویت جبهه مقاومت به‌شمار می‌رود. (Williams Samii, 2008: 29)

کشورهای حوزه خلیج فارس مانند عربستان و قطر برای پیشبرد اهداف خود در سوریه از قدرت سخت و از گروه‌های سلفی جدید و وابسته به القاعده حمایت می‌کنند. این کشورها نمی‌توانند طرفدار اصلاحات و انتخابات در سوریه باشند؛ چراکه هیچ‌گاه انتخابات در این کشورها به‌ویژه عربستان وجود نداشته است و همچنین آنها به دنبال تشکیل یک دولت هم‌راستا با منافع خود در سوریه هستند تا از نفوذ ایران در منطقه نیز جلوگیری به عمل آید (جعفری ولدانی و نجات، ۱۳۹۲: ۶۴) این امر سبب شده تا بحران سوریه را به کمک گروه‌های سلفی تا نابودی کامل زیرساخت‌های کشور سوریه و با هدف تضعیف همیشگی کشور سوریه و براندازی دولت اسد گسترش دهند. در این میان رژیم صهیونیستی نیز که سوریه را سرپلی برای دستیابی ایران و محور مقاومت به سرزمین‌های اشغالی و لبنان و حمایت آن از حزب الله و حماس و غیره می‌داند و نیز به دلیل مناقشه با سوریه بر سر بلندی‌های راهبردی جولان و همچنین دشمنی تاریخی سوریه و صهیونیست‌ها که ریشه سرزمینی و قومی و در ادامه دینی دارد، سعی در تضعیف هر نوع حاکمیتی در سوریه در حال و آینده و نیز نابودی توان‌های اقتصادی و نظامی سوریه برای رفع همیشگی خطر این کشور دارد. بنابراین گروه‌های سلفی که دارای ابعاد تضعیف‌کننده و تخریب‌گسترده در سوریه هستند و مورد حمایت اعراب با محوریت عربستان سعودی هستند را به‌طور موقت، راهکار مناسبی جهت نیل به این هدف خود

می‌داند. از این‌رو آمریکا نیز در جهت حفظ موجودیت اسرائیل و تداوم و گسترش هژمونی خود در منطقه، تخریب مسیرهای محور مقاومت به سمت سواحل شرقی مدیترانه توسط سلفی‌های افراطی را راهکار موقت مناسبی می‌داند. از این‌رو موقعیت سرزمینی سوریه یکی از عوامل تحریک‌کننده در تقویت و حمایت از سلفی‌ها توسط اعراب و اسرائیل و آمریکا است که کشور ترکیه نیز این گروه‌ها را به‌عنوان راهبرد مناسبی در جهت توسعه نفوذ منطقه‌ای ایران، نابودی حکومت اسد و تضعیف و منزوی کردن اکراد می‌داند. (حشمتی جدید و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۷)

موقعیت انرژی سوریه

ذخایر شناخته شده نفت خام سوریه حدود ۲/۵ میلیارد بشکه و ذخائر شناخته شده گاز طبیعی این کشور حدود ۱۰/۱ تریلیون فوت مکعب (معادل ۰/۳ تریلیون متر مکعب) برآورد گردیده است (BP, 2014: 6-20). اکتشافات گازی جدید در حوزه مدیترانه شرقی^۱ با حجم تقریبی ۴۰ تریلیون فوت مکعب (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۳)، گزارش شده است. این موقعیت ژئواکونومیک سوریه زمانی اهمیت بیشتری خواهد یافت که با موقعیت دسترسی و ترانزیتی این کشور برای انتقال انرژی به دیگر کشورهای همسایه در منطقه خاورمیانه جمع شود و آن گاه وزن ژئواکونومیکی واقعی این کشور مشخص خواهد شد. در ساحل مدیترانه، این کشور می‌تواند از طریق بنادر «طرطوس» و «بانپاس» مسیر بسیار مهمی برای صادرات نفت و گاز عراق و ایران به اروپا باشد. براساس سیاست انرژی محور ایران - عراق - سوریه که در سال ۲۰۱۱ برای آن به توافق رسیدند، ایران و عراق مبدأ انتقال گاز و نفت به سواحل مدیترانه‌ای سوریه و سپس انتقال به یونان و داخل اروپا هستند. بر این اساس ترکیه از معادلات گازی و انتقال انرژی به اروپا حذف خواهد شد. مسیر زمینی و مقرون به صرفه با حجم بالاتری نسبت به انرژی گازی قطر، از ایران به‌عنوان دومین دارنده ذخایر گاز جهان پس از روسیه به اروپا منتقل خواهد شد و در صورت ورود قطر به این خط، می‌بایستی منافع خود را با ایران و عراق و سوریه تنظیم نماید که براساس ساختار فعلی هویتی و معنایی این کشورها، این تصور دشوار است. از این‌رو کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه قطر سعی در ناکام گذاشتن این پروژه از ابتدای طرح آن بوده‌اند و قطر سعی در انتقال گاز خود از طریق اردن - سوریه و ترکیه به اروپا است. خط لوله‌ای که اسرائیل و سوریه را نیز دربر می‌گیرد و با عبور از خاک عربستان و اردن به سوریه رسیده و ایران و عراق را حذف می‌کند. حمایت از گروه‌های سلفی در مرز عراق و سوریه از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ و گسترش چشم گیر این حمایت‌ها پس از بحران سال ۲۰۱۱ تاکنون ناشی از سعی کشورهای عربی برای ناامن جلوه دادن مسیر ایران - عراق - سوریه برای انتقال انرژی برای اتحادیه اروپا است تا آنها را مجاب به

1. Levant Basin.

پذیرفتن خط لوله قطر - عربستان - اردن - سوریه (پس از حذف دولت اسد) - ترکیه است. این مشارکت قطر، عربستان، ترکیه و اسرائیل به این دلیل قابل توجیه است. خط لوله اسلامی، ایران، و نه قطر را، تبدیل به تأمین‌کننده اصلی بازارهای انرژی اروپا می‌کرد و نفوذ تهران در خاورمیانه و جهان را به‌طور چشمگیری افزایش می‌داد (F.Kennedy, 2016/02/23). آمریکا نیز در بحث ژئواکونومی علاقه‌مند به پایان دادن به انحصار انرژی روسیه در اروپا و ایجاد مسیرها و منابع و مبادی انرژی بدیل برای حذف یا تضعیف روسیه در بازار انرژی اروپا است که این امر از طریق خطوط عربی از مبدأ قطر و عربستان و اتصال به ترکیه از طریق سوریه و اردن امکان‌پذیر است که در کشور ترکیه خط انتقال نابوکو و خط عربی به هم متصل شوند و جریان بزرگی از انرژی را جایگزین جریان فعلی گاز روسیه نمایند. (اشنایدر، ۱۳۹۲/۰۷/۰۲)

از این رو محیط و ساختار مادی کشور سوریه نقش مهمی در رفتار بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در حمایت از گروه‌های سلفی دارد. گروه‌های سلفی تکفیری - جهادی که سعی در تعریف سرزمینی خود و تعیین قلمرو هستند، به دلیل حمایت این کشورها روابط مشخص انرژی نیز با این بازیگران خواهند داشت و از جمله نکات قابل توجه در این مسئله تقابل جدی این گروه‌های افراطی با اسلام شیعی با محوریت جمهوری اسلامی ایران است که در قیاس با مخالفان دموکرات و سکولار، امکان نزدیکی آنها به ایران بسیار کمتر و شاید ناممکن است. در کل قدرت نظامی گروه‌های سلفی - تکفیری، تقابل با محور مقاومت و ایران و نیز روسیه، اشغال مناطق انرژی سوریه و عراق و دستیابی به مسیرهای انتقال انرژی سبب حمایت جدی‌تر بازیگرانی مانند قطر، عربستان و ترکیه و اسرائیل از این گروه‌ها شده است. البته مسئله ژئواکونومیک یک بعد از ابعاد نظام اجتماعی کلی منجر به گسترش سلفی‌گری در کشور سوریه است.

ساختار منافع

در اینجا به بررسی سازه منافع و نقش آن در شکل‌گیری بحران سوریه با تأکید بر جریانات سلفی می‌پردازیم. از این رو براساس طبقه‌بندی چهارگانه ونت از منافع کنشگران به تحلیل این ساختار منافع و تأثیر آن بر رشد و گسترش سلفی‌ها خواهیم پرداخت.

۱. امنیت هستی‌شناسی

کشور سوریه دارای هویتی خاص است که در تضاد با هویت برخی از بازیگران منطقه‌ای و جهانی است. دولت بعثی سوریه که معتقد به رستاخیز عرب و سکولاریزم داخلی است، در پیوند با ایران اسلامی شیعی و قرار گرفتن در محور مقاومت، دارای هویتی متعارض با رژیم‌های عربی حوزه خلیج فارس و نیز رژیم صهیونیستی است. رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان غربی آن به رهبری آمریکا نیز به دنبال هویت‌زدایی و از بین بردن فلسفه و چیستی هویت محور مقاومت هستند تا بدین وسیله هویتی جدید را در منطقه مذکور حاکم کنند.

غربی‌ها در مورد ایران، سوریه، دولت شیعی عراق، حزب الله لبنان و حماس فلسطین رویکردی براندازانه دارند و به دنبال هویت‌زدایی از این کشورها و نهضت‌ها هستند. بنابراین امنیت هستی‌شناسی محور مقاومت و از جمله دولت سوریه مورد تهاجم غرب و رژیم صهیونیستی است. اعراب حوزه خلیج فارس نیز در پی براندازی دولت سوریه و سایر دول و نهضت‌های محور مقاومت و هویت‌زدایی از آنان هستند. آنان فراتر از این به دنبال انزوا و حتی نابودی اندیشه تشیع در شاخه‌های مختلف آن از جعفری و علوی تا اسماعیلی، زیدی و درویدی‌اند. یکی از جلوه‌های تقابل اعراب خلیج فارس با محوریت عربستان سعودی در برابر سوریه به سیاست‌های سوریه در منطقه برمی‌گردد. حکومت عربستان سعودی به‌طور کلی تلاش کرده است تا از نظر هویتی و ایدئولوژیک نوعی بنیادگرایی سنی را در منطقه گسترش دهد. در واقع، گسترش اسلام وهابی و مخالفت با شیعیان از وجوه بارز سیاست منطقه‌ای عربستان محسوب می‌شود. بر این اساس می‌توان سرکوب شیعیان در بحرین و حمایت از گروه‌های سلفی جدید در مقابل دولت سوریه را تبیین نمود (نیاکوئی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۶۶) عربستان نماینده اسلام وهابی و پرچمدار کشورهای عرب محافظه کار می‌باشد؛ از این رو ناچار است علاوه بر موقعیت دولت و منافع ملی خود، به جهان سنی، در برهه‌ای که اسلام شیعی حسب برخی قراین در حال برآمدن است، نیز بیندیشد. عربستان امروز وجدانی معذب دارد، اسلام‌گرایی شیعی به نحوی مداوم و البته ملایم در حال برآمدن است. (طاهایی، ۱۳۸۸: ۶۳)

حمایت‌های مالی و تسلیحاتی که عربستان از مخالفان در سوریه می‌نماید، همگی تلاشی است برای تقویت و روی کار آوردن سنی‌هایی که در خلأ قدرت همراهی خود را با عربستان نشان دهند (نجات، ۱۳۹۳: ۶۴۲ - ۶۴۱) مقامات سعودی بر این باورند که سیاست جدید آنها منافع عربستان را به شکل کامل تأمین خواهد کرد. به باور آنها تغییر در کشورهای حامی ایران باعث تضعیف محور مقاومت و تقویت جریان محافظه کار با محوریت عربستان خواهد شد (جعفری ولدانی و نجات، ۱۳۹۲: ۱۶۹) در مقابل این دولت‌های سازش کار عربی و رژیم صهیونیستی که با واقعیت نابودی صهیونیسم و تضعیف دولت‌های عربی توسط محور مقاومت روبه‌رو هستند. غربی‌ها نیز در حمایت از متحدان منطقه‌ای خود در تلاش برای حفظ ساختار معنایی منطقه به نفع خود هستند. اگرچه محور مقاومت دنبال تغییر رژیم در دولت‌های عربی و به‌ویژه شیخ‌نشین‌های جنوب خلیج فارس نیست، اما این کشورها فعالانه به دنبال تهدید امنیت هستی‌شناسی محور مقاومت هستند. بنابراین یکی از دلایل اصلی بحران سوریه تقابل هستی‌شناسانه و در نتیجه تهدید امنیت هستی‌شناسی است که در منازعه بین دول عربی و غربی و صهیونیستی و محور مقاومت وجود دارد. البته در این میان برای غربی‌ها تهدید امنیت هستی‌شناسی رژیم صهیونیستی در اولویت است. محور مقاومت نیز سعی در گسترش بدنه خود و نفوذ در بین ملت‌های مسلمان و در نتیجه تغییر معادله قدرت در منطقه دارد. این امر در نهایت محور مقاومت را مقابل غربی‌ها، رژیم صهیونیستی، اعراب و تا حدودی ترکیه قرار می‌دهد. البته کشور ترکیه

بیشتر در حوزه کسب منافع در منطقه حرکت دارد و برخلاف سایر بازیگران منافع و تفسیر این کشور از محیط مادی است که سبب نزدیکی به جبهه عربی و رژیم صهیونیستی شده است. هرچند از دهه اول قرن ۲۱ ترکیه نیز با تفکرات نعثمان‌گرایی به دنبال نوعی ایجاد حوزه نفوذ و به عبارتی بازسازی حوزه نفوذ قدیمی خود در عراق و سوریه با تأکید بر شهرهایی مانند دمشق، حلب، بغداد و موصل است که بر طبق نظریه بازسازی بزرگ که توسط داود اوغلو ارائه شده، قابل بررسی است (فیض الهی خیای، ۱۳۹۴/۱۱/۰۴) این بازسازی بزرگ به لحاظ هستی‌شناسی، هویت ترکیه بزرگ و نعثمان‌گرا و لزوم پافشاری بر این هویت را به منطقه معرفی می‌نماید که بخشی از هستی‌شناسی خود را در گرو ورود به حوزه نفوذ کنونی ایران در جغرافیای محور مقاومت می‌داند و از این رو نمی‌تواند دولت اسد در سوریه که متحد ایران است را بپذیرد.

۲. امنیت مادی

سوریه در جریان جنگ‌های عربی علیه رژیم صهیونیستی بخشی از قلمرو سرزمینی خود در ارتفاعات جولان را از دست داد. این امر سبب پایداری دشمنی سوریه و رژیم صهیونیستی شده است و همچنین باعث شده تا دولت سوریه دائماً در رصد فرصتی برای باز پس‌گیری این منطقه کلیدی خود باشد. محور مقاومت و تمامی ملت‌های مسلمان بر این اعتقادند که رژیم صهیونیستی، کشور فلسطین و برخی از قلمروهای کشورهای اسلامی را اشغال و غصب نموده و می‌بایستی این سرزمین به صاحبان اصلی آن برگردانده شود. این امر به معنای نابودی رژیم صهیونیستی و تهدید امنیت مادی و هستی‌شناسی این رژیم است. بدین‌سان این رژیم دائماً بدنبال مشارکت در بحران‌های منطقه‌ای و به‌ویژه بحران‌سازی علیه کشورهای محور مقاومت و از جمله کشورهای مرزی و همسایه خود از جمله سوریه و لبنان است. از این‌رو رژیم صهیونیستی دولت سوریه را بزرگ‌ترین خطر برای تهدید امنیت مادی خود می‌داند و از هیچ سیاست و برنامه‌ای جهت براندازی دولت سوریه کنار نمانده و نخواهد ماند. بدین‌سان رژیم صهیونیستی یکی از مهم‌ترین بازیگران عرصه بحران سوریه است و دولت‌های غربی نیز به‌خاطر حمایت از این رژیم نقش فعالی در بحران سوریه داشته‌اند و همچنین دولت‌های عربی و ترکیه نیز به هدایت غربی‌ها و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا وارد بحران سوریه شدند. بنابراین محور بحران‌های خاورمیانه و به‌ویژه شرق مدیترانه در احساس خطر رژیم صهیونیستی از امنیت مادی و هستی‌شناسی خود ریشه دارد.

رویکرد تهاجمی عربستان و برخی کشورهای عربی دیگر مانند قطر در طرح براندازی و تغییر دولت سوریه را نیز می‌توان در وجود رقابت با ایران و تلاش برای تغییر در موازنه قدرت، رقابت‌های منطقه‌ای بین‌المللی و اختلافات ایدئولوژیک عربستان سعودی و سوریه مورد تحلیل و بررسی قرارداد. آل‌سعود با مذهب رسمی وهابیت از زمان به دست آوردن حاکمیت شبه جزیره عربی و تشکیل عربستان تا به امروز همواره خود را در یک رقابت با ایران شیعی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه می‌بیند (Sajadi, 1993: 75) بر این

اساس، یکی از مهم‌ترین دلایل تصمیم عربستان در ورود مستقیم به بحران سوریه، نگرانی این کشور از نزدیکی استراتژیک ایران و سوریه و برقراری توازن قدرت منطقه‌ای با ایران است. از همین رو، این کشور بروز بحران سیاسی در سوریه را بهانه‌ای برای تسویه حساب با ایران یافته است (نجات، ۱۳۹۲: ۹۷) کشور ترکیه نیز گذشته از همراهی با اعراب و رژیم صهیونیستی و غرب، همان‌طور که قبلاً گفته شد ترکیه به دنبال یک بازسازی بزرگ در فضای ژئوپلیتیکی اطراف خود و تبدیل شهرهای بغداد، موصل، دمشق و حلب و در نتیجه عراق و سوریه به حوزه نفوذ خود براساس رویکرد نوعثمانی‌گری است (فیض الهی خیاوی، ۱۳۹۵/۱۱/۰۴) این امر که ریشه در بازیابی هویت گذشته ترکیه دارد و به نحوی دفاع از این رویکرد در دوره اسلام‌گرایی ترکیه جزئی از امنیت هستی‌شناسی ترکیه شده است، به‌طور مستقیم موجب تهدید استقلال و نیز امنیت هستی‌شناسی سوریه شده است. این امر با تضعیف دولت سوریه امکان‌پذیر خواهد بود که خود به معنای تهدید امنیت مادی این کشور است. علاوه بر این در گذشته ادعاهای ارضی سوریه نسبت به استان هاتای بر مناسبات این کشور با ترکیه عمیقاً سایه افکنده بود (یزدان پناه درو و نامداری، ۱۳۹۲: ۱۱۱) همچنین سوریه به‌دلیل اختلافات خود با ترکیه و روابط سردی که با این کشور طی چند دهه گذشته داشته، از برخی جنبش‌های سیاسی مخالف دولت آنکارا حمایت نموده است که سه گروه از مخالفان آنکارا یعنی گروه‌های رادیکال کُرد و در رأس آن پ.ک.ک، آسالا ارتش سری برای آزادی ارمنستان و رادیکال‌های ترک را شامل می‌شد (واعظی، ۱۳۸۷: ۷۱-۶۳) این مسائل سبب تهدید امنیت مادی دو طرف شده و زمینه را برای بحران‌آفرینی دو طرف جهت تضعیف یکدیگر فراهم نموده است و بر این اساس کشور ترکیه در جهت مقابله با مسئله کردی، فراموشی مناقشه استان هاتای و خلیج اسکندرون توسط سوریه، دست به حمایت از گروه‌های سلفی در مرز مشترک خود زد تا نوعی فاصله جهت امنیت خاطر از تهدیدات سوریه بین خود و دولت مرکزی سوریه ایجاد کند. البته حمایت گسترده ترکیه در انواع مختلف مانند آموزش گروه‌های افراطی و حمایت لجستیکی از آنها با هدف براندازی دولت سوریه انجام می‌شود.

۳. شناسایی

براساس رویکرد سازه‌نگاری، کنش‌گران عرصه بین‌الملل و به‌ویژه دولت‌ها در پی شناسایی خود توسط سایر کنش‌گران عرصه بین‌الملل هستند. شناسایی، جزء اولین منافع کنش‌گران بین‌المللی است. تا یک کنش‌گر توسط کنش‌گران دیگر به رسمیت شناخته نشود، در ساختار روابط بین‌الملل جایگاهی ندارد. رژیم صهیونیستی پس از تشکیل غیر قانونی و غیر مرسوم و برخلاف رویه بین‌المللی و اشغال کشور اسلامی فلسطین و ترسیم نقشه توسعه‌طلبانه نیل تا فرات، سبب واکنش کشورهای اسلامی و برخی دیگر از کشورهای غیر وابسته به بلوک غرب شد. رژیم صهیونیستی اگرچه توسط ۳۴ کشور به رسمیت شناخته نشده است، اما کشورهای محور مقاومت علاوه بر به رسمیت نشناختن این رژیم در پی تبلیغات گسترده علیه آن و مشروعیت‌زدایی از

رژیم مذکور هستند. بنابراین رژیم صهیونیستی که معمولاً تمام کشورهای اسلامی را دشمن خود می‌پندارد، کشورهای محور مقاومت را دشمن اصلی و تهدیدکننده اصلی خود می‌داند که علاوه بر تهدید امنیت هستی‌شناسی و مادی این رژیم، در جهت مشروعیت‌زدایی و بحران مشروعیت و شناسایی این رژیم نیز حرکت می‌کند. کشور سوریه نیز از این قاعده مستثنی نیست. این امر در بحران کنونی سوریه نقش قابل توجهی را ایفا می‌نماید. از این رو کشورهای غربی و عربی همسو با رژیم صهیونیستی و خود این رژیم، بخشی از اهداف خود را بر ایجاد حکومتی همسو با غرب که رژیم صهیونیستی را به رسمیت بشناسد متمرکز کرده‌اند. سوریه نه تنها در مسئله فلسطین، رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسد بلکه به دلیل مناقشه بر سر بلندی‌های جولان دارای تخاصم جدی با این رژیم است و از هر کشوری که سعی در تضعیف و حتی نابودی اسرائیل را داشته باشد استقبال می‌کند. اما ترکیه و کشورهای عربی مانند عربستان و قطر و مصر روابط رو به بهبودی با رژیم صهیونیستی برقرار نموده‌اند به نحوی که نخست وزیر رژیم صهیونیستی در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۶، از اعراب حوزه خلیج فارس و مصر تمجید کرد و دشمن مشترک اعراب و اسرائیل را ایران و محور مقاومت خطاب کرد (فردا نیوز، ۱۳۹۵/۰۷/۰۱) این امر سبب ایجاد یک اتحاد غیر رسمی بین ترکیه، اسرائیل، قطر، عربستان سعودی شده است، که موجب فشار بر سوریه و محور مقاومت جهت به حاشیه راندن آنها شده که در این میان با پافشاری این جبهه و کشورهای غربی بر لزوم برکناری اسد، نوعی مشروعیت‌زدایی متقابل را در قبال سوریه و حتی محور مقاومت در پیش گرفته‌اند و سعی در به حاشیه بردن مسئله فلسطین و مشروعیت‌سازی برای رژیم صهیونیستی و ایجاد امتیاز شناسایی برای این رژیم هستند.

۴. توسعه

ایالات متحده آمریکا و کشورهای صنعتی غربی هم‌پیمان این کشور روزبه‌روز به منابع انرژی بیشتری نیاز دارند و از این جهت امنیت تأمین پایدار انرژی و انتقال آن به کشورهای خود جهت به حرکت درآمدن موتور محرکه صنعت مدرن برای آنها بسیار اهمیت دارد. توسعه صنعتی امروز جهان کماکان در گرو دسترسی به منابع انرژی مطمئن و با جریان پایدار و بدون وقفه است. این امر در سال‌های اخیر سبب شکل‌گیری مفهوم ژئوپلیتیک تأمین شده است. البته بخشی از ژئوپلیتیک تأمین مربوط به متنوع‌سازی منابع سوخت و نیز متنوع‌سازی کشورهای مبدأ است تا کشور واردکننده در گروگان و انحصار کشور صادرکننده قرار نگیرد. مسئله‌ای که امروز اروپا را به گروگان‌گازی کشور روسیه تبدیل نموده است. از این رو یکی از سیاست‌های غرب به رهبری آمریکا و در اتحاد با کشورهای متحد منطقه‌ای‌اش برای تأمین انرژی، تغییر رژیم در کشورهای منطقه است. دولت سوریه نیز که به‌عنوان عضو محور مقاومت و دشمن اصلی رژیم صهیونیستی و مخالف رویه‌ها و رفتارهای غرب‌گرایانه کشورهای عربی و ترکی منطقه است (F.Kennedy, 2016/02/23)، یکی از کشورهای هدف تغییر رژیم در نظر ایالات متحده آمریکا است؛ چراکه ایالات متحده شوراهایی مانند سوریه و ایران و دولت شیعی عراق

را مانعی بر سر راه توسعه‌طلبی خود می‌داند. از این رو بخشی از بحران سوریه نیز مربوط به این مسئله است. مسئله تأمین انرژی و ژئوپلیتیک در پیوند با ساختارهای معنایی و در نتیجه ساختار منافع معنا می‌یابد و بازیگران بر اساس اشتراکات و اختلافات و مناقشات در سطح معنایی و هستی‌شناسی به تفسیر ساختار مادی می‌پردازند. بر این اساس ساختار معنایی و منافع محور مقاومت با محور سازش عربی - ترکی، صهیونیستی و غربی در تقابل است. بدین جهت تقابل معنایی به حوزه توسعه به‌عنوان یکی از منافع چهارگانه از منظر سازه‌انگاری نیز بسط داده شده است و به یکی از الزامات ژئوپلیتیک تأمین تبدیل شده است. بنابراین ایجاد چالش و بحران در جهت تضعیف و براندازی کشورهای محور مقاومت، در مرکز تفکرات و تصمیمات جبهه مقابل قرار دارد و در این مسیر و در جریان بحران سوریه و عراق، گروه‌های سلفی مورد حمایت ترکیه، عربستان و قطر نسبت به محور مقاومت از پذیرش بیشتری برای رژیم صهیونیستی و غرب برخوردارند.

نتیجه

کشور سوریه از یک سو دارای مشکلات داخلی است و از طرف دیگر با مسائلی مواجه است که ناشی از همان ساختار اجتماعی کلی حاکم بر منطقه است. کشور سوریه دارای دولتی بعثی است که سران این دولت و از جمله رئیس‌جمهور سابق و فعلی، شیعه علوی هستند. تمرکز قدرت در دست اقلیت و سهم کمتر اکثریت سنی سبب شکل‌گیری تصور دیکتاتوری دولت شده است. این امر سبب تقابل هویتی بین شیعه و سنی شده است که ریشه اصلی آن در تبلیغات و تحریکات اخوان المسلمین و سلفی‌های سوریه و نیز سلفی‌های خارج از سوریه و رژیم صهیونیستی و دولت‌های عربی با حمایت غرب و همکاری ترکیه است. این تقابل هویت مذهبی در کنار توسعه نیافتگی کشور و ضعف دولت در مسیر ایجاد توسعه متوازن در سراسر کشور، سبب بهره‌گیری جریانات سلفی از ناراضی‌های اهل تسنن و قرار گرفتن در محوریت این اعتراضات با حمایت عربستان، قطر و ترکیه شده است. همراهی دولت سوریه با جمهوری اسلامی ایران و قرار گرفتن در محور مقاومت سبب شکل‌گیری یک هویت مقاوم و مبارز از سوریه علیه غرب، رژیم صهیونیستی و اعراب حوزه خلیج فارس شده است که حوزه بازیگری کشور ترکیه را نیز محدود نموده است. این امر سبب افزایش دشمنان دولت سوریه شده است. امروزه محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مخالف اصلی سیاست‌های غرب و دشمن اصلی رژیم صهیونیستی که در پی نابودی این رژیم است، شناخته می‌شود. کشورهای عربی نیز محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران را مخالف سیاست‌های منطقه‌ای خود می‌دانند، چراکه عمیقاً اعتقاد دارند که محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران سیاست سازش اعراب و به‌ویژه اعراب حوزه خلیج فارس را تقبیح می‌کنند و سازش آنها با غرب را در قبال رژیم صهیونیستی نوعی خیانت به امت اسلامی می‌دانند. از این رو با قرار داشتن سوریه در کنار جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت، کشورهای مذکور در جهت براندازی دولت کنونی سوریه و بحران‌سازی در این کشور تلاش می‌کنند.

ساختار مادی و موقعیت سرزمینی و ژئواکونومیک سوریه در جمع با موقعیت ژئوپلیتیکی کلی کشورهای محور مقاومت سبب شده تا سوریه ظرفیت ترانزیتی منحصر به فردی را برای ایران و عراق برای متنوع‌سازی مسیرهای انتقال انرژی خود جهت افزایش ضریب امنیت آن فراهم سازد. این امر سبب حساسیت کشورهای عربی و غربی و نیز ترکیه شده است. کشورهای عربی سوریه را در جغرافیای خود تصور می‌کنند و گرایش آن به ایران را غیر قابل تحمل می‌دانند. ترکیه نیز جایگزینی سوریه به جای خود برای ایران و عراق را ضربه‌ای غیر قابل جبران به جایگاه ترانزیتی خود می‌داند. سوریه همچنین به لحاظ ژئوپلیتیکی پیش‌تاز جبهه مقاومت در مقابل غرب و اعراب است و به همراه حزب الله لبنان و جنبش حماس، رژیم صهیونیستی را محاصره کرده است. این شرایط ویژه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک کشور سوریه سبب حساسیت کشورهای رقیب و دشمن و تلاش جهت بحران‌سازی در این کشور برای براندازی دولت کنونی و رهایی از وضعیت فعلی شده است. در ارتباط با ساختار منافع و نقش آن در بحران سوریه باید گفت که دولت سوریه در بعد معنایی همانند جمهوری اسلامی ایران به دنبال محور رژیم صهیونیستی است و از این رو امنیت هستی‌شناسی این رژیم را تهدید می‌کند. همچنین به دلیل اشغال بخشی از سرزمین‌های سوریه توسط رژیم مذکور و به دلیل اینکه رژیم صهیونیستی به طور کل در خاک دیگر کشورهای اسلامی تشکیل شده، همیشه از امنیت مادی و تمامیت ارضی خود واهمه دارد و کشورهایی که مورد تعرض سرزمینی این کشور واقع شده‌اند و به‌ویژه دولت سوریه را تهدیدگر امنیت مادی خود می‌داند. به لحاظ شناسایی نیز دولت سوریه به همراه ۳۳ کشور دیگر این رژیم را به رسمیت نمی‌شناسند و علاوه بر این سوریه به همراه محور مقاومت به دنبال محور این رژیم است. در زمینه توسعه نیز، کشور سوریه به همراه ایران و عراق و جنبش حماس و حزب الله موافقی بر سر راه حضور دائم غرب در منطقه و تأمین انرژی ارزان و استفاده از بازار کار ارزان و تبدیل منطقه به بازار مصرف توسط غربی‌ها است. مجموع این عوامل سبب می‌شود تا دولت سوریه بعنوان تهدید بزرگ علیه منافع رژیم صهیونیستی و غرب و هم‌پیمانان آن باشد و به همین دلیل سعی در براندازی این رژیم دارند و بحران کنونی را نیز ابزاری در این مسیر می‌دانند. کشورهای عربی مانند عربستان سعودی و همچنین کشور ترکیه نیز براساس ساختار منافع متعارض با سوریه و محور مقاومت به دنبال جایگزینی یک دولت سنی و غیر شیعی در سوریه هستند که بهترین و قوی‌ترین گروه جهت تشکیل چنین حکومتی جریان‌های سلفی نزدیک به عربستان و قطر و ترکیه هستند که حاکمیت آنها سبب نفوذ این کشورها در سوریه می‌شود. دولت ترکیه سوای از اهداف کلان منطقه‌ای به جهت لزوم منزوی کردن کردها و رفع خطر آنها و نیز فراموش شدن ادعاها و مناقشات مرزی و ارزی با سوریه، از گروه‌های سلفی حمایت می‌نماید که با اعمال نفوذ بر آنها بتواند تهدیدات سوریه را نیز حل نماید.

منابع

۱. اخوان کاظمی، مسعود و سارا ویسی، ۱۳۹۱، «علویان سوریه از شکل‌گیری تا قدرت‌یابی»، فصلنامه شیعه‌شناسی، دوره ۱۰، شماره ۳۸، تابستان ۹۱.
۲. اشنایدر، مایکل، ۱۳۹۲/۰۷/۰۲، «جنگ بر سر خط لوله گاز طبیعی»، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۰۲۴، قابل‌بازیابی در: <http://donya-e-eqtasad.com/news/753959>
۳. العالم، ۱۳۹۵/۱۰/۰۶، آغاز بحران سوریه به روایت شهید حسین همدانی، قابل دسترسی در: <http://fa.alalam.ir/news/1902728>، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۵/۱۲/۱۲.
۴. ایزدی، جهانبخش و حمیدرضا اکبری، ۱۳۸۹، «برآورد دهه سوم مناسبات راهبردی جمهوری اسلامی ایران و سوریه؛ همگرایی بیشتر یا گسست»، فصلنامه رهنامه سیاسی، دفاعی و امنیتی، سال اول، شماره دوم، زمستان ۸۹.
۵. برزگر، کیهان، ۱۳۹۲، تحولات عربی، ایران و خاورمیانه، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، چ ۱.
۶. جعفری ولدانی، اصغر و سید علی نجات، ۱۳۹۲، «نقش قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره ۴.
۷. حشمتی جدید، مهدی؛ باقری، حسین؛ بشارتی، محمدرضا و حمیدرضا حشمتی، ۱۳۹۳، «تنگناهای ژئوپلیتیکی ترکیه و بحران سوریه»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال بیست و سوم، شماره ۸۹، زمستان ۹۳.
۸. خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۴/۰۹/۲۲، چرا سوریه در زمان دفاع مقدس به ایران کمک نظامی کرد؟، خبرگزاری تسنیم؛ سرویس سیاسی، قابل دسترسی در: <http://www.tasnimnews.com/fa/news>، بازیابی در تاریخ: ۱۳۹۵/۰۳/۱۲.
۹. خبرگزاری تقریب، ۱۳۹۰/۰۱/۱۸، کردهای سوریه صاحب شناسنامه می‌شوند، قابل دسترسی در: <http://www.taghribnews.com/vdcdnz0o.yt0k96a22y.html>، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۵/۰۴/۰۵.
۱۰. دبیری، محمدرضا، ۱۳۹۱/۰۳/۲۷، علویان سوریه و ترکیه، دیپلماسی ایرانی، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1902783/>
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۸۸، «امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول، بهار ۸۸.

۱۲. طاهایی، سید جواد، ۱۳۸۸، *خاورمیانه جدیدتر (چشم‌انداز وسیع روابط ایران و سوریه)*، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی، چ ۱.

۱۳. فردانیوز، ۱۳۹۵/۰۷/۰۱، *تانیاهو در مجمع عمومی سازمان ملل در مورد ایران چه گفت؟*، قابل دسترسی در: <http://www.fardanews.com/fa/news/>، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۵/۰۷/۰۱.

۱۴. فیض الهی خیاوی، مجید، ۱۳۹۴/۱۱/۰۴، *بازسازی بزرگ و بازی ساز کوچک: رمزگشایی از سیاست خارجی ترکیه در قبال موصل و شمال عراق، دیپلماسی ایرانی*، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/>، تاریخ بازیابی در تاریخ: ۱۳۹۵/۰۵/۲۹.

۱۵. کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۱۶. نجات، سید علی، ۱۳۹۳، «راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در قبال بحران سوریه»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و هشتم، شماره ۴، زمستان ۹۳.

۱۷. نیاکوئی، سید امیر و حسین بهمنش، ۱۳۹۱، «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم، شماره ۴.

۱۸. واعظی، محمود، ۱۳۸۷، «روابط ترکیه و سوریه: از تعارض تا تعامل»، *مرکز تحقیقات استراتژیک*، شماره ۱۹.

۱۹. ونت، الکساندر، ۱۳۸۴، *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۲۰. یزدان‌پناه درو، کیومرث و محمدمهدی نامداری، ۱۳۹۲، «بحران سوریه؛ با تأکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور»، *دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی*، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۹۲.

21. BP, 2014, Statistical Review of World Energy 2014, full report, bp.com/statisticalreview.

22. EIA: U.S Energy Information Administration, HIS Edin Representation of International Boundaries and Names Not Authoritative

23. F Kennedy, Robert, (2016/02/23) , why the Arabs don't want us in Syria, Politico, Available at: <http://www.politico.eu/article/why-the-arabs-dont-want-us-in-syria-mideast-conflict-oil-intervention/>.

24. Global Security, (Without Date) , Iran-Iraq War (1980-1988) , Available at: <http://www.globalsecurity.org/military/world/war/iran-iraq.htm>.

25. Human Right Wach, (1996 Oct) , SYRIA: The Silenced Kurds, Vol. 8, No. 4 (E) , available at: <https://www.hrw.org/reports/1996/Syria.htm>.
26. Reus-Smit, Christian, 2001, Human Rights and the Social Construction of Sovereignty, *Review of International Studies*, Vol. 27, pp 519-538.
27. Sajadi, Amir, 1993, Iran's Relations with Saudi Arabi, *India Quarterly*.
28. Wendt, A, 1987, the Agent-Structure Problem in International Relations Theory, *International Organization*, Vol. 41, No. 3 (summer, 1987) , pp. 335-370.
29. Wendt, A, 1992, "Anarchy is what States Make of IT," The social Construction of Power Politics," *International Organization*, Vol, 46, No.2.
30. Wendt, A, 1994, "Collective Identity and the International State," *American Political Science Review*, Vol, 88.
31. Wendt, Alexander, 2004, "The State as Person in International Theory", *Review*.
32. Williams Samii, Abbas, 2008, "A Stable Structure on Shifiting Sands: Assessing the Hezbollah-Iran-Syria Relationship", *the Middle East Journal*, Vol. 62.